

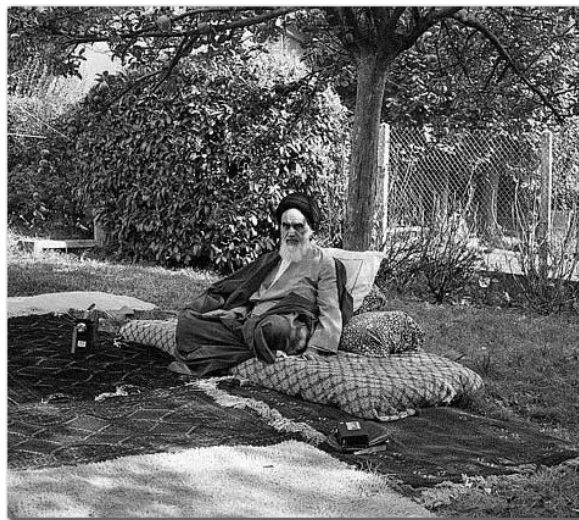
اللاغ و اقتصاد!

من نمی توانم تصور کنم، هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند ما خون هایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود، ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود، این منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض ها انداخته باشند، توی دهن های مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلا کشاورزی مان چه بشود. آدم خودش را به کشتن نمی دهد که کشاورزی اش چه بشود.

همه دیدید که تمام قشرها، خانم ها ریختند توی خیابان ها، جوان ها ریختند توی خیابان ها، در پشت بام ها در کوچه و برزن و همه جا، فریادشان این بود که اسلام می خواهیم، برای اسلام است که انسان میتواند جانش را بدهد، اولیا ما هم برای اسلام جان دادند نه برای اقتصاد، اقتصاد قابل این نیست.

آن هایی که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند از باب اینکه انسان را نمیدانند یعنی چه، خیال میکنند انسان یک حیوانی است که همان خورد و خوراک است. منتها خورد و خوراک این حیوان با حیوانات دیگر یک فرقی دارد. این چلوکباب می خورد، او گاه میخورد. اما هر دو حیوانند، اینهایی که زیربنای همه چیز را اقتصاد می دانند، اینها انسان را حیوان می دانند. حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. زیر بنای همه چیزش، الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصادش است!

-- از گفتار آخوند روح الله خمینی در جمع کارکنان رادیو،
۱۷ شهریور ۱۳۵۸، قم، صحیفه نور، جلد ۹، صفحه ۴۵۰



میم. الف.

درفش کویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>